

کردستان

دمکراسی
برای
ایران

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

۵۰ ریال

مرداد ۱۳۶۷ - اوت ۱۹۸۸

۱۴۰



اطلاعیه دفتر سیاسی

بمناسبت شهادت

رفیق صدیق فیروزی

هم میهنان ارجمند!

مردم مبارز کردستان!

اعضای، کادرها و پیشمرگان قهرمان

حزب دمکرات کردستان ایران!

با تأسف و تأثر بسیار اعلام

می‌کنیم که فرزند مبارز و انقلابی

۴



درود بر ۲۵ مرداد
سالروز تاسیس حزب دمکرات

پیام رفیق دگتر

عبدالرحمن قاسملو

بمناسبت ۲۵ مرداد

سالروز تاسیس حزب

هم میهنان عزیز!

خلقهای شرافتمند ایران!

مردم مبارز کردستان!

در بیست و پنج مرداد ماه امسال
حزب دمکرات کردستان ایران رهبر
جنبش انقلابی خلق کرد چهل و سه ساله
میشود به این مناسبت از سوی
کمیته مرکزی حزب شما تبریک
می‌گویم، و امید چنان دارم که
سال نو، در تاریخ

۲

نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد

۱۸

اگر آقای رجوی اندکی شجاعت داشت...

۵

ترکمنستان ایران و درسی مهم

۷

چند خبر مهم ایران

۱۶

گله‌چینی از عملیات پیشمرگان

در سوریه

۱۳۶۷/۴/۱۹

پیشمرگان نیروی زاگرس و نیروی

شاهو در باندهای "گله‌چینی"

"دوره کوله" و "مه‌نار را" در

۸

کردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

مرداد ۱۳۶۷ - اوت ۱۹۸۸ | ۱۴۰ ریال



اطلاعیه دفتر سیاسی

بمناسبت شهادت

رفیق صدیق فیروزی

هم‌میهنان ارجمند!

مردم مبارز کردستان!

اعضای، کادرها و پیشمرگان قهرمان

حزب دمکرات کردستان ایران!

با تأسف و تأثر بسیار اعلام

می‌کنیم که فرزند مبارز و انقلابی

۴

در روز ۲۵ مرداد
سالروز تاسیس حزب دمکرات



پیام رفیق دگتر
عبدالرحمن قاسملو
بمناسبت ۲۵ مرداد

سالروز تاسیس حزب

هم‌میهنان عزیز!

خلقهای شرافتمند ایران!

مردم مبارز کردستان!

در بیست و پنج مرداد ماه امسال
حزب دمکرات کردستان ایران رهبر
جنبش انقلابی خلق کرد چهل و سه ساله
میشود به این مناسبت از سوی
کمیته مرکزی حزب بشما تبریک
می‌گوییم، و امید چنان دارم که
سال نو، در تاریخ

۲

نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد

۱۸

اگر آقای رجوی اندکی شجاعت داشت...

۵

ترکمنستان ایران و درسی مهم

۷

چند خبر مهم ایران

۱۶

گام‌پوینی از عملیات پیشمرگان
در مرداد ماه

۱۳۶۷/۲/۱۹

پیشمرگان نیروی زاگرس و نیروی
شاهو در بلندبهای "گه‌لینس"،
"دهره‌کوله" و "هه‌نار" در

۸

پیام رفیق دکتر عبدالرحمن قاسملو بمناسبت ۲۵ مرداد

حزبان به کجراه رفته‌اند، همانند همه دسته‌های سرگردان قبلی در پیشگاه خلق و تاریخ جز رو سیاهی نصیبی نخواهند برد.

هم میهنان محترم!

تا بیستان گذشته، هنگامی که قطعنامه ۵۹۸ از طرف شورای امنیت تصویب شد، رژیم خمینی می‌توانست آنرا بپذیرد، و با موفقیت از گرداب جنگ خود را کنار کشد. همینطور برایش ممکن بود، پس از فاجعه حلبچه در میان‌افکار عمومی جهانی برای خود اعتباری کسب کند. اما این رژیم تنها یک زبان می‌شناسد و آن هم زبان زور است.

جمهوری اسلامی هنگامیکه روز ۲۷ شهریور ۵۹۸ قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت در نهایت استیصال و بیچارگی بود. عدم رضایت خلق‌های ایران بحدی رسیده بود که از طرفی جوانان آماده رفتن به جبهه‌ها نبودند و از سوی دیگر توده‌های مردم رژیم آخوندی را سرچشمه تمام سیه‌روزیها و مشکلات خود می‌دانستند.

شکستهای نظامی پشت سرهم لشکر خمینی در میدانهای جنگ، انزوای وی در عرصه سیاست بین‌المللی همراه با بیکاری، گرانی، کمبود کالا، خرابی کامل وضع اقتصادی، سبب شدند تا خمینی با یک‌گردش‌مد و هشتاد درجه‌ای آمادگی خود را برای آتش‌بس ابراز دارد. بی‌تردید این عمل خمینی از ناچاری بود. زیرا بقای جمهوری اسلامی در خطر افتاده بود، وگرنه خمینی و رژیم او طالب صلح نیستند و تنها خواهان آتش‌بس هستند تا در آن فرصت، خود را برای جنگی دیگر آماده سازند. واقعیت آنست که اگر جمهوری اسلامی تواناشش را برای ادامه جنگ از دست داده و از عاقبت

مبارزه پر فراز و نشیب حزب محبوبان، سال موفقیت‌های چشم‌گیر باشد، و مردم کردستان را با آمال تاریخی شان خودمختاری و دمکراسی قرین سازد.

در این روز فرخنده، شهدای سرفرازمان را ارج می‌نهیم. آنهاشیکه در راه آمال دیرینه خلق کرد، جان خود را با سخاوت فدا کردند. در میان شهدای امسال، بویژه، به روان پاک فرزند ارزشمند و جوان انقلابی رفیق صدیق فیروزی عضو علی‌البدل کمیته مرکزی درود می‌فرستیم که تا آخرین نفس به راه حزب و خلقش وفادار ماند.

هم میهنان عزیز!

رویداد خیلی مهم سال گذشته در حیات حزبمان، تشکیل کنگره هشتم بود که در بهمن ماه سال ۱۳۶۶ با موفقیت به پایان رسید. شاید هنوز بتامای بر همه روشن نگردیده باشد که کنگره هشتم موجب چه تغییرات عمیقی در زندگی و فعالیت‌های حزب ما گشته است. اما بیگمان آینده نشان خواهد داد که این کنگره در تاریخ پر افتخار حزب دمکرات چه جای ویژه‌ای دارد.

کنگره هشتم صفوف حزب را از افراط فرصت‌طلبی اعتقاد و غیر انقلابی پاک کرد. حزب ما از این آزمون مستحکمتر، متحدتر و انقلابی‌تر سر برآورد.

این حقیقت که منحرفینی با کمک و تحریک دشمنان ملت کرد، بعد از کنگره کوشیدند صفوف حزب محبوب مردم کردستان را بهم بزنند، خود بیانگر صحت مصوبات کنگره، و انقلابی و هماهنگ بودن رهبری منتخب کنگره هشتم بود. از هم اکنون کاملاً واضح است که این بار هم، آنهاشیکه از مشی مستقل و تحریر شده

کلیه جهات و ادار ساخت، و او را قدم به قدم به لئه، برنگاه برد، شیرازه، رژیم در حال ازهم گسیختگی است، نباید به وی امکان تجدید حیات داد.

هم میهنان عزیز!

برخلاف نظر کسانی که می‌پندارند تاریخ بار دیگر علیه خلق کرد بکار افتاده است ما بر این باوریم که افق مبارزه از سال‌های پیش روشنتر است، مهم آنست که جنبش دمکراتیک کردستان صفوف خود را مستحکمتر سازد و آمادگی رویارویی با هر نوع رویدادی را دارا باشد. در آن هنگام بدون شک بسی دوست و هم میهنان پیدا خواهد کرد، بگذارید پیش از هر چیز به نیروی بی‌پایان خلق کرد بها دهیم، به خود و مبارزه، خود متکی باشیم؛ و همچون عاملی مستقل در صحنه، سیاسی کشور خود را نشان دهیم، آن وقت پشتیبانان ما افزایش خواهند یافت و شرایط برای موفقیت بیشتر آماده خواهد گشت.

هم میهنان!

رفقا!

بیشمرگان کردستان!

حزب دمکرات کردستان ایران دارای تجربه چهل و سه سال مبارزه، سخت و خونین است، حزب ما آماده است این مبارزه را تا موفقیت نهایی، تا کسب دمکراسی و خودمختاری ادامه دهد، هیچ نیرویی وجود ندارد که حزب ما را از مبارزه باز دارد، حزب ما آن قدرت را دارد که هرگونه مانعی را از سر راه خود کنار زند و با حمایت توده‌های میلیونی مردم کردستان و همه، خلقهای ایران، خلق کرد را به آرزوهای تاریخی خود برساند.

هم میهنان عزیز!

بار دیگر ۲۵ مرداد روز بنیاد گذاری حزب دمکرات کردستان ایران، بر شما مبارک

باد، بپرویز و سرفراز باشید

آن بیمناک است، ترس وی از صلح و آشتی نیز کمتر از جنگ نیست، صلح نه تنها بحران عمومی رژیم را کار ساز نیست بلکه با عمیقتر کردن این بحران راه سرنگونی جمهوری اسلامی را هموار می‌سازد.

عقب نشینی رژیم خمینی مفهوم دیگری را نیز در خود دارد: برای نخستین بار خمینی به شکست خود اعتراف کرد و ابهت و طابیت خویش را از دست داد، مردم و بویژه آنهاست که هنوز هم پیرو خمینی‌اند متوجه شدند که خمینی رهبری ناسفه و راهنمایی دانا و بی اشتباه نیست، بلکه در آخرین روزهای حیاتش مردی بیچاره و زبون است، او که می‌گفت جنگ نعمت الهی است، اینک صلح را نعمت الهی میدانند؛ می‌گفت آمریکا هیچ غلطي نمیتواند بکند، و اینک در برابر آمریکا بزانو درآمده است؛ می‌گفت جنگ تا سرنگونی صدام ادامه خواهد داشت، و اینک آماده مذاکره مستقیم با صدام حسین است، شکی نیست آخوندها تنها و تنها باین خاطر حاضر به قبول این تحقیر گشته‌اند، تا بتوانند قدرت را در دست خود نگهدارند و فرمانروایی خویش را ادامه دهند؛ ولی در این مورد نیز سخست در اشتباهند.

از این به بعد در سراسر ایران، مبارزه علیه رژیمی که اینهمه کشتار، خانه خرابی و آوارگی را سبب گشته است سریعتر از پیش گسترش خواهد یافت، از این پس در شهرهای کردستان توده‌های مردم بیزاری و نفرت خویش را از رژیم آشکارتر و گسترده‌تر از پیش ابراز میدارند. از این به بعد بیشمرگان قهرمان کردستان ضربات کوبنده‌تر و کاری تری بر سبک ضعیف رژیم خواهند زد. از این به بعد چنان وضعی پیش خواهد آمد که امکان اتحاد همه، نیروهای دمکرات و انقلابی ایران بسی بیشتر خواهد بود.

باید رژیم خمینی را به عقب نشینی در

اطلاعیه دوفتورسیاسی ج. د. ک. ا.

بمناسبت شهادت

رفیق صدیق فیروزی

حسنگی ناپذیر رفیق صدیق فیروزی عضو علی البدل کمیته مرکزی و عضو کمیته منطقه (جنوب و مسئول کمیته حزبی کرمانشان در روز ۲۷ تیرماه سال جاری در پی یک تبانی قهرمانانه با عوامل رژیم ضد بشیری جمهوری اسلامی در منطقه کامیاران بشهادت رسیده است. رفیق شهیدمان کاک صدیق فیروزی در سال ۱۳۳۹ در روستای "نسل" (منطقه شامیان مریوان) بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا اخذ مدرک دیپلم متوسطه در شهرهای مریوان و سنندج ادامه داد. از آن هنگام که دست چپ و راست خود را بازشناخت با درددل و بی دریغی به گریبان بیگانه و در طول دوران تحصیلش مجبور بود تعطیلات خود را به کار کردن اختصاص دهد تا هم هزینه تحصیل خود را بدست آورد و هم اگر بتواند به خانواده تهیدستش کمک کند.

زندگی سیاسی کاک صدیق از سالهای ۵۷-۵۸ شروع شد. در آغاز هم چون عضو "جمعیت دانش آموزان سنندج" در راه هماهنگی کسری و کسری مبارزه دانش آموزان فعالیت نمود. سپس با حزب ارتباط برقرار کرد و به عنوان مسئول اتحادیه جوانان روستاهای "نسل" و "گوشخانی" انتخاب شد. در همان هنگام (بسیار وجود کمی سن) بدلیل شایستگی، از سوی مردم روستای خود به عضویت شورای روستا انتخاب گردید. کاک صدیق جوان، هنوز در آغاز کار سیاسی بود که پدرش به شرفیاب گردید.

کرد و صدیق را با انوهی از مشکلات تنها گذاشت. صدیق ناچار بود از دو راه یکی را انتخاب نماید: یا از کارهای انقلابی و مبارزه غنی دست بردارد و به زندگی خانواده تهیدست خویش برسد، و یا راه سخت و دشوار مبارزه انقلابی را ادامه دهد. لیکن کاک صدیق بعنوان یک انقلابی راسخ که مصلحت شخصی و خانوادگی را فرعی از مصالح و منافع عمومی جامعه و خلق میدانید، راه دوم را انتخاب نمود و زندگی خود را وقف مبارزه در راهی همه آن کسانی کرد که همچون خود از محروم و تحت ستم بودند.

کاک صدیق فرزند روزهای سخت و دشوار بود و همسنگر وفادار انقلابیون بود. نه سختی و دشواری مبارزه، نه مشکلات زندگی روزانه به همراه فشار رژیم ضد بشیری به خانواده اش نه تنها هیچکس نتوانستند این انقلابی را از مبارزه بازدارند بلکه هراندازه فشار بیشتر می شد به همان نسبت عقیده و ایمانش به مبارزه امیق تر و مستحکم تر میشد. کاک صدیق با تمام توان در صف پیشمرگان حزب مکررات کردستان ایران تلاش میکرد. هیچگاه خستگی نص شناخت. دافعتاً تلاش پورتا خود را پرورش دهد و سطح آگاهی سیاسی خود را با استفاده از تمامی تجارب مبارزه و مطالعه و شرکت در دوره های سیاسی و نظامی بالا ببرد. به همین دلیل در بین رفقای حزبی معروفیت یافت و مدارج حزبی را با شایستگی طی کرد. صدیق انقلابی با تلاش بی روقفه و نشان دادن شایستگی و لیاقت ثابت کرد که شایسته سپردن مسئولیت های بالاتر و قابل اعتماد و اطمینان حزب و خلق است.

وی فعالیت خود را در حزب از پیشمرگی آغاز کرد. کارر شاخه، عضو کمیته حزبی شهرستان مریوان، مسئول کمیته های حزبی ضابط "شامیان" و "شریو" مسئول شاخه، عضو هیات اجرایی کمیته حزبی شهرستان مریوان، عضو کمیته حزبی منطقه (جنوب و مسئول کمیته حزبی شهرستان مریوان بخشی از مسئولیت های وی قبل از کنگره هشتم حزب بودند.

در کنگره هشتم حزب بعنوان عضو علی البدل کمیته مرکزی انتخاب گردید، و سر از کنگره و طیفه عضویت در کمیته حزبی منطقه (جنوب و مسئولیت کمیته حزبی شهرستان کرمانشان را به عهده گرفت. کاک صدیق در طی آخرین مسئولیتش بخصوص نشان داد که با دل و جان آماده اجرای قرارها و تصمیمات حزب است و در مبارزه در راه آزادی و تحقق بخشیدن به آرمانهای خلقش از هر زمان مصمم تر است.

کاک صدیق علاوه بر اینکه به دلیل انقلابی با ایمان و با روحیه و یک کارر شایسته و آگاه بود، هنرمند با ذوقی نیز بود. وی به نقاشی و فیلم برداری علاقه بسیاری داشت. کاک صدیق در حال گذشتن با پیشمرگان بوسیله دوربین خود بطور مرتب از زندگی مبارزان و چهره های مبارزه پیشمرگان فیلم برداری می کرد و آنها را همچون سندی برای آینده ثبت می نمود.

متأسفانه عمر کاک صدیق بسیار کم بود. لیکن در همین مدت که زندگی اش نیز نشان داد که یک انقلابی بی نظیر و یک مبارز با ایمان و وفادار

اگر آقای رجوی اندکی شجاعت داشت ...

(گفتاری از رادیو صدای کردستان ایران)

بدیهی است که نتایج این اقدام حساب نشده قبل از همه گریبانگر خود مجاهدین رجوی خواهد شد و اگر در درون سازمان آنها هنوز حقی برای پرسش و بازخواست از رهبری باقی مانده باشد، رهبری بایستی پاسخگوی این عمل غیر مسئولانه خویش در برابر افسرادش باشد. اما البته مردم و اپوزیسیون ایرانی نیز وظیفه دارند در جنبش مرحله حساسی نسبت به این ماجراجویی بی تفاوت نمانند. چرا که متأسفانه این روزگشت مردم ایران است که اینگونه بازیچه هوا و نموسپای رهبری هوسباز مجاهدین قرار گرفته است.

واقعیت آنست که عمل بیوقوفانه و تنجید مجاهدین رجوی در مرحله

آنچه که مجاهدین نام عملیات "فروغ جاویدان" بر آن گذاشته بودند، وعده میدادند که سرنگونی یکباره رژیم خمینی را رقم بزنند. دیدیم که چگونه به فاجعه تبدیل شد، و حمله مجاهدین رجوی به کرد و اسلام آباد که بنا بر ادعای آنها مایستی با فتح تهران پایان پذیرد، به چه شیوه‌ای با شکست کامل نظامی و سیاسی مواجه گردید. با این ماجراجویی، مجاهدین رجوی علاوه بر زیانهای مادی شمار قابل توجهی از افراد خود را از دست دادند که مجموع کشته‌ها و مجروحان شاید بیش از سه چهارم همه افسراد ارتش آزاد بخش مجاهدین را شامل شود.

به نمایندگی از سوی گلیه اعضا و پیشمرگان حزب، با مردم انقلابی کردستان تجدید عهد می‌نماید که در هر شرایط سخت و دشوار و راه بیرافتخار شهید صدیق فیروز و همه شهیدان گلگون کفن کردستان را با قاطعیت ادامه دهد. پیروز باد مبارزه خلق کرد در راه تحقق بخشیدن آرمان دیکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان!

سرنگون باد رژیم واپسگرای جمهوری اسلامی!

دفتر سیاسی حزب دیکرات کردستان ایران
۸/ مرداد / ۱۳۶۷ خورشیدی

اعمال و تجارب پر ارزش صدیق را مشعل راه مبارزه بگیر خسود فرار خواهند داد.

اطمینان داریم که جوانان بر سر "ژاوه رود و شامیان" اجاره نمی‌دهند اسلحه شهید صدیق بر زمین بماند.

دفتر سیاسی ضمن ابراز تأسف و تأثر بی‌پایان از شهادت رفیق برجسته، مراتب تسلیت خود را به خانواده کاک صدیق و کارها و پیشمرگان منطقه یک جنوب، کمیته‌های حزبی شهرستانهای کرمانشاه، سنندج، مروان، ونیروی زاگرس و مردم داغدید "نعل" و بطور کلی کارها و پیشمرگان حزب تقدیم مبادارد. در همان حال

به اهداف والای خلق خویش است. صدیق محبوب مردم منطقه جنوب کردستان بویژه مروان و منطقه "ژاوه رود و شامیان" بود. زحماتش این مناطق صدیق را از خود می‌دانستند، با وی در دردل میکردند و از وی رهنمود میخواستند. صدیق خاکی، مردمی، خونسرد و خوش برخورد بود. صدیق یک انقلابی واقعی بود. بدین شک شهادت کاک صدیق فیروزی ضایعه بزرگی برای حزب دیکرات کردستان ایران و خلق تحت ستم کرد است. زحماتش کردستان یک رهبر دلسوز و وفادار به اهدافش را از دست داده‌اند و حزب دیکرات کاک را با تجربه و شایسته دیگر رادار بارگاه آزادی قربانی نموده است. بویژه کارها و پیشمرگان منطقه یک جنوب و نیروی زاگرس که همسنگر و رفیق بیرون صدیق را از دست دادند، دچار ضایعه بزرگی گردیده‌اند. لیکن تردیدی نیست که فرزندان انقلابی حزب دیکرات همچنانکه تاکنون نشان داده‌اند، باز هم نشان خواهند داد که از دست دادن همسنگری چون صدیق فیروزی نه تنها خللی در روحیه آنها وارد نمی‌نماید، بلکه آنها را در ادامه راه مبارزه دلگرمتر می‌کند. فرزندان انقلابی جنوب کردستان با پشتیبانی بیدریغ مردم شرافتمند این منطقه که مبارزی چون صدیق را در آغوش خود پرورش داده‌اند، بیگمان انتقام خون ناحق ریخته شده وی را از دشمنان خواهند گرفت و هم چون صدیق خارج شمشیر دشمنان حزب خواهند بود.

ول خدمتی به رژیم خمینی بود؛ هر چند که تاثر این خدمت کوتاه مدت هم باشد.

خمینی پس از شکستهای پی در پی در جبهه قلعهنامه، شورای امنیت را با آنهمه اکراه، و در حالت زبونی و بیچارگی بی سابقه‌ای در میان هواداران خود بوجود آورده است. با اینکار، خمینی از عرش‌اغلا پائین کشیده شده و ابهت و اعتبارش را از دست داده است. توده‌های مردم که به شدت تحت فشار و اختناق اند نیرو و توان تازه‌ای جهت ابراز مخالفت یافته‌اند و اپوزیسیون سرعت به جنب و جوش افتاده است. رژیم حتی از پیروان وفادار خود منزوی شده و در تنگنای کامل گرفتار آمده است؛ جمهوری اسلامی از تیرس خشم توده‌ها حالت دفاعی بخشد گرفته و برای حفظ موجودیت خویشتن آماده عقب نشینی در همه زمینه‌ها است.

درست در چنین حالتی مجاهدین رجوی به کمک رژیم می‌شایند، و امکان فریب مردم و بسیج بدشی از توده‌ها را برای او فراهم می‌آورند، و بدین ترتیب بروقتاً هم که شده به رژیم حالت تعرضی می‌بخشند. یعنی وسیله یک بیروزی نظامی نسبتاً آسان و بالا بردن روحیه نیروها، شکست خورده و مأیوس را برایش فراهم می‌آورند. نام اینکار را چه میتوان گذاشت؟ واقعاً هاشمی رفتنجان می‌باید بسیار متوسل به رجوی باشد، چراکه در شرایط سختی که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای

امنیت برای وی ایجاد شده بود کسی بهتر از رجوی نمیتوانست اینگونه به فریادش برسد. و اما در آنچه که به اپوزیسیون رژیم مربوط می‌شود؛ آنانکه شناختی از مجاهدین دارند از تبلیغات پرغش و لافزیه‌های رهبری غیرمسئول و درسیاست بی تجربه مجاهدین برای مسخ واقعات و معرفی شکست فاجعه آمیز عملیات نظامی اسلام‌آباد و کردند بمنوان یک پیروزی بزرگ البته دچار تعجب و نخواستند شد، ولیکن ضربه چنان بزرگ است که هیاو هر قدر هم بزرگ کرده باشد حقایق را نمیتواند از دیده‌ها پنهان کند.

آقای رجوی بمنوان تصمیم گیرنده اصلی در این جریان اگر برآستی از کوچکترین صراحت و شجاعت انقلابی برخوردار است بایستی حقیقت، و آنهم همه حقیقت را در باره عطیات فروغ جاویدان، نه تنها بسا هواداران خود بلکه با همه مردم ایران در میان بگذارد، و روشن کند چه کسی چگونه و بچه دلیل تصمیم به انجام چنین عملیات ناپهنگام و از پیش محکوم به شکستی گرفتار بر پایه چند حسابهای یک تعرضه هزار نفری از طریق کردند - اسلام آباد میتواند منجر به فتح تهران و سرنگونی کامل رژیم گردد؟

واقعیت آنستکه چنین عملیات نسنجیده‌ای نمی‌توانست منجر به شکست نگردد. اولاً ثابت شد که این بار نیز تحلیلی رهبری مجاهدین از وضع کشور همانند سال ۶۰ یک تحلیل نادرست است. برخلاف ادعای آقای رجوی رژیم ایران با وجود لرزان بودن هنوز چنان نیست که شرایط سرنگونی وی تمامی فراهم

آمده باشد. آنها بدست یک سازمان تنها که علاوه بر رژیم با همه اپوزیسیون نیز خصومت میورزد!

ثانیاً: برخلاف توهم‌های خود بزرگ بینانه آقای رجوی یکبار دیگر مسلم گردید که مجاهدین تا چه اندازه از نفوذ ادعایی خود در بین توده‌ها بدورند و در این باره تا چه حد در توهم بسر میبرند. دعوت‌های بی روی را دیویی مجاهدین از مردم ایران برای قیام بجایی نرسید و کسی این دعوت را لبیک نگفت. بزرگ‌ترین همچنانکه دیدیم آخوندها از فرصت استفاده کردند و توانستند هواداران خود را بسوی جبهه‌ها روانه کنند و آنها را در برابر مجاهدین منزوی از مردم قرار دهند.

ثالثاً: پس از ماه‌ها حملات ناجوانمردانه تبلیغاتی به حوزات مکررات کردستان ایران و انبوع توطئه علیه حزبی که محبوبیت و نفوذ آن در بین توده‌های مردم کردستان انکارناپذیر است جالب است که مجاهدین عطیات نظامی خود را از کردستان آغاز می‌کنند و ساده لوحانه منتظرند که مردم کردستان بککشان بشتابند! بنظر میرسد که مجاهدین ناسزاهای چند روز پیشتر خود را نسبت به حزب مکررات فراموش کرده بودند که در روز آخر عطیات "فروغ جاویدان" از پیشمرگان کردستان کمک می‌طلبیدند. بخدوص کجاست مجاهدین منطقه‌ای از کردستان. انرا هم انتخاب کرده بودند که شمار زیادی از ساکنان آن پیروان اسلام حقیقت که نه طریقت و نه طرز تفکر آنها هیچگونه سازشی با قایم

ترکمنستان ایران و درسی مهم

ترکمنستان، تاز ایران سرزمین خلقی ستندیده از جمله خلقهای برادر و مورد ستودن در ایران است. هویت ملی مردم این سرزمین پسا وجود زبان و فرهنگ ویژه خود، همچون سایر خلقهای تحت ستاد ایران، به دلیل تعصب سیاست شورویستی و سرکوبگرانه حکومتهای

مرکزی، که بر اساس انکار وجود ملیتهای دیگر در ایران و به تحلیل بردن آنها در ملت حاکم پی ریزی گردیده، پیوسته لگد مال شده است. تلاشهای مردم ترکمن بخاطر رهایی و کسب حقوق ملی خویش با اینکه دارای سابقه طویل و درخشانی است، تا بحال به نتیجه نرسیده و این پهنینه در حشران در نرسد سایر خلقهای ساکن ایران و منجمله خلق کرد ناشناخته مانده است. اما رهایی خلقهای همسرزودست و تحت ستاد در ایران از چنگال

ستم ملی و رنج فراوانی که آنان از این جهت متحمل میگرددند، مستلزم کوششهای فراوان و پیگیری است که آگاهی از شرایط زندگی و مبارزه این خلقها از یکدیگر، قدم اول آن را تشکیل میدهد. توسعه و ارتقاء آگاهی و اطلاع خلقهای ایران از یکدیگر از مسائل مهمی است که باید توجه کافی بآن به عمل آید. چرا که از طریق ارتقاء این شناختها میتوان راهی بسوی وحدت و هماهنگی



اگر آقای رجوی اندکی شجاعت داشت...

و ایدولوژی و نیز با هدف مجاهدین را بر بر استقرار یک جمهوری اسلامی بهر عنوانی ندارد. همین نشان میدهد که رهبری مجاهدین تا چه اندازه رابطه خود را با واقعیات قطع کرده است.

آشکار است که رهبری مجاهدین خود را عقل کل میداند و حاکم نیست از برج عاج خویش پائین بیاید. شکست سنگین عطیات اسلام آباد و گزند نتیجه منطقی این غرور بود که است. آقای رجوی طی دو سال گذشته همه نیروی خود را از داخل ایران فراخوانده و به همراه شماری از جوانان پرشور و میهن پرست که از گوشه و کنار اروپا و آمریکا جمع آوری نموده در اصطلاح ارتش آزاد پیشش گرد آورده است لیکن همه این نیروی جوان و پرشور را در ظرف ۲-۳ روز در پیش پای پاسداران خمینی قربانی بنام کرده و واقعا انسان باید چقدر ناآزموده

و بدون احساس باشد که اینچنین غیر مسئولانه با زندگی جوانان کشور بازی کنند؟ چه رهبر سیاسی آزموهای همه امکانات خود را اینگونه یکجا به قمار می گذارد، و کل ارتش را که بگفته خود مجاهدین طی چند سال سال زحمت و کوشش آموزش داده شده است در عرض سه روز بدیار نیستی میفرستد؟

مسئول خون این جوانان شوریده دل که بامید نجات وطن قدم بسوی میدان کارزار گذاشته اند و اینگونه با بی رحمی به قربانگاه فرستاده می شوند کیست؟ آقای رجوی هنوز نمیداند که سیاست هنر است و آنهم هنر ممکن. در سیاست پمارا از گلیم خود درازتر کردن خطرناک است، و آرزو را بجای واقعیت گذاشتن از آنهم خطرناکتر. آقای رجوی میخواهد به قیمت چند بار فدا کردن دسته جمعی جان جوانان کشور این امر بیهوشی را دریابد؟

رهبری مجاهدین باید بداند که علم کردن روز عاشورا دیگر نمی تواند هیچکس را بفریبد. نخست آنکه عاشورا در تاریخ یکی است و تکرار نمی شود. دوم آنکه حسین لا اقل خود در میدان جنگید و در میان یاران خود شهید شد، و از راه دور با بی سیم و رادیو عطیات را رهبری نمی کرد. آنهم با آن فرماندهی جالب توجهی که بهتر میدانیم از آوردن نمونه ای از آنها چشم ببوشیم مگر آنکه آقای رجوی خود مایل باشد. آیا آقای رجوی این شجاعت را دارد که همه حقیقت را در بساط عطیات اسلام آباد بگویند؟ مردم ایران بگویند؟ آیا این شجاعت را دارد که برای یکبار هم که شده به اشتباهات خود اذعان نماید و قول تصحیح سیاستهای نادرست قبلی را بدهد؟ با همچنان سعی خواهد نمود بسان گذشته به تهریه نداند؟ کاربهای خود بپروازد؟



در فعالیتهای مبارزاتی ایمن خلفها به منظور تحقق آرمان رهایی ملی گشود، و آلاً با ایجاد واستقرار نظامی دمکراتیک در ایران کشور را از صورت زندانی برای خلفها خارج ساخت، و به جامعههای تبدیل کرد که همگان براد روار و با حقوق کامل و برابر در آن زندگی کنند.

بیانیهای که از طرف کانسون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن به مناسبت یاد بود ۲۳ سوویسین سالگرد اعلام جمهوری ترکمنستان ایران انتشار یافته و در ایمن اواخر بدست ما رسیده است. است حاوی دانستینهای با ارزشی از خلق ترکمن و تاریخ جنبش ترکمنستان و نیز در سه گرانبهای است که از بررسی و نقد

روند این جنبش در ۶۰ سال اخیر حاصل آمده است. نظر با اینکه، نشر این بیانیه علاوه بر جنبش آموزندگی و اطلاع از سابقه تاریخی مبارزات خلق برادر ترکمن، میتواند یاری دهنده تلاشهای رهایی بخشد و خلق دستمیده ما و سایر خلقهای درین کشور باشد، نخست به نشر چکیده این بیانیه مبادرت می کنیم و سپس پرسشهای مهم آن کمی مکث می نمائیم. زمینه های ملی و اجتماعی

ترکمنها در سرزمینی که به نام خود آنها است سکونت دارند. ترکمنستان که در د سوی مرزایران و شوروی قرار داد متصل به شرق دریای خزر است. خلق ترکمن در بخش شمالی این سرزمین بد نبال پیروزی انقلاب اکتبر در

روسیه و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی با استفاده از حق تعیین آزادانه سرنوشته جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان را در سال ۱۳۲۴ تشکیل داده و با حقوق برابر به جمع یک جمهوریها در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیوسته است. اما ترکمنهای ساکن در بخش جنوبی این سرزمین که داخل در مرزهای ایران قرار دارد، تنها حقی در اداره امور سرنوشته خویش ندارند بلکه چه در طسول بیش از نیم قرن سلطنت خانان پهلوی و چه هم اکنون در حاکمیت جمهوری ارتجاعی ایران، زیست شد بدترین فشارهای ستم ملی قرار گرفته اند و از ابتدائی ترین حقوق خویش بگلی محرومند. هویت

گلچینی از عملیات پیشمردان حزب کمونیست کوردستان

منطقه سنندج با مزدوران رژیم درگیر شدند. در این درگیری که ۸ ساعت طول کشید و به درهم شکستن کامل دشمن زبون انجامید بیش از ۴۰ نفر از افراد رژیم کشته و زخمی شدند. ۱۵۰ جسد از کشته های دشمن در میدان جنگ بجا ماند که ۹ تن آن ها شناسایی شدند. غنایم بدست آمده عبارت بودند از: ۱- قناسه در ورین دار ۱ قبضه. ۲- تیربار فلاشنگرف ۳ قبضه. ۳- تفنگ ر - ۴، ۲ قبضه.

- ۴- پی سیم پی آرسی ۷۷ یکد ستگاه.
- ۵- تفنگ برنوا، قبضه ۶- فشنگ متنوع ۲ هزار عدد. ۷- نارنجک دستی ۱۲ عدد. ۸- خشاب متنوع ۱۴ عدد. ۹- موشک آرسی جی ۲۷ عدد. ۱۰- کوله پشتی درمانی ۲ عدد. ۱۱- اسناد و مدارک نظامی.

۶۷/۴/۲۱

پیشمردان نیروی کيله شینس در ارتفاعات "دالانهر" منطقه "مرگور" در شمال کردستان نیروهای رژیم را به دام انداختند و آنها را تارمار کردند. ۱۱ نفر از افراد رژیم جان خویش را از

دست دادند که بیشترشان بر اثر سقوط از پرتگاهها از تنگرس پیشمردگان کشته شده بودند. پیشمردگان حزب عثمان رحمانی در این عملیات شهید شدند.

۶۷/۴/۲۲

نیروهای رژیم ساعت ۱۲ ظهر در بلندبهای "گلیپرن" و "دهره کوله" در منطقه سنندج به کمین پیشمردگان نیروی زاگرس و نیروی شاهو افنادند. در پی درگیری ۷ ساعته حداقل ۲۵ نفر از آنان کشته و یا زخمی شدند. جسد ۱۰ تن از نیروهای رژیم

اولین شماره از مجله گوردستان ایران

ترکمنستان ایران و درسی مهم

ملی این خلق علیرغم داشتند سرزمین، زبان و فرهنگ ویژه خود انکار نمیدودند. تد ریس زبان ترکمنی در موسسات آموزشی، و نشانی مطبوعات و تکلم به آن در ادارات دولتی ممنوع است. در پستهای مهم اداری ترکمنستان معمولاً افراد غیر بومی گمارده میشوند و رویه معرفت سیاست رژیم شاهنشاهی در رازبین بردن میراث غنی و ریشه دار فرهنگ این خلق هنوز هم تداوم دارد؛ توطئه سکوت درباره تاریخ و شخصیتهای برجسته این خلق بهیچوجه شکسته نشده، تقسیمات کشوری رژیم شاهنشاهی که به منظور تضعیف بنیانهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و وحدت ملی، و زایل ساختن احساس مشترک و نیرومند آگاهی ملی در روحیات تودهها و بویژه روشنفکران، سرزمین این خلق محروم را به اجزاء مختلف تقسیم و هر قسمت را به نواحی همجوار فارس نشین منضم ساخته است، هنوز بقوت خود باقی است.

غصب اراضی حاصلخیز و قابل کشت این سرزمین در زمان حکومت رضاخان پهلوی از طرف گروهی که در راس آنان خود رضا شاه قرار داشت، و استثمار و غارت میدید این خلق در زیر سر نیزه ژاندارمین موجب شد که خلق ترکمن در سطح وسیعی به بیماری و انجام کارهای سخت و طاقت فرسا کشیده شود. زندگی بخصوص از نظر اقتصادی برای آنان تحمل ناپذیر گردید.

بهمین جهت مسئله ملی و مسئله زمین اینک در رابطه تنگاتنگی با هم قرار گرفتهاند و جنبش این خلق محروم برای رهایی بریدتر این تئادها سیر تکوینی خود را می پیماید.

سابقه تاریخی مبارزات خلق ترکمن

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی در روسیه به سال ۱۹۱۷ میلادی به ملل تحت انقیاد سیستیم استعماری نیرویی تازه بخشید تا جهت رهایی سرزمین خویش از قیود استعماری و کسب آزادی بپاخیزند. موج این خیزشها قبل از همه ایران را که همسایه شوروی است و زندان ملل ساکن آن محسوب میشد دربرگرفت. از جمله جنبشهای آزاد یخواهی خلقهای ایران جنبش ملی دمکراتیک خلق ترکمن در ترکمن صحرا است که بر بستر تئادهای ملی و اجتماعی شکل گرفت، و به برپایی و اعلام جمهوری ترکمنستان ایران به ریاست عثمان آخون در ۱۳۰۳ (۲۰ ماه مه ۱۹۲۴) انجامید.

این جمهوری برای حفظ حویش در مقابل با ارتش رضاخان، که به منظور سرکوب جنبش بصرحدا ترکمن صحرا روی آورده بود، فرمان ایجاد ارتش ملی را صادر کرد. جمهوری در عین حال با وجود مشکلات جنگ تحمیلی به اقدامات اساسی در زمینه حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیز دست زد، و برای ایجاد روابط دوستانه سفرائی به کشورهای خارج و بسط

گله‌چینی از غنایات پشته‌پای
خریب هر روز در دهان دهان

بجا ماند و پاسداری بنام اکبر -
پاک فراهل اصفهان اسیر شد -
سلاحهای زیر هم به جنگ
پیشمرگان افتاد :

- ۱- ننگ گلاش نیکوف، ۶ قبضه.
- ۲- قناسه، ۴ دربین داراد ستگا.
- ۳- بی سیم پی، آریسی یکد ستگا.
- ۴- انواع فشنگ ۱۵۰۰ عدد.
- ۵- خشاب ۲۰ عدد ۶- نارنجک دستی ۲ عدد، و مقداری وسایل نظامی.

۲۴/۴/۲۷

ساعت ۸ صبح ۴ دسته‌هایی از پیشمرگان نیروهای "پیشوا" و "زمیران" و "گیارنگ" نزدیک آبادی "گردینه" در منطقه سردشت با نیروهای رژیم درگیر شدند. پس از هزیمت مزدوران از میدان جنگ ۱۱ جسد از آنان برجای ماند. و پیشمرگان بنامهای: حسن خدیری و ابراهیم مصطفی زاده در این عملیات شهید شدند. نمایم بشرح زیر هم بدست آمد:

- ۱- شیربایی کی، سی، ۱ قبضه.
- ۲- آریسی، جی، ۱۴۵۰ قبضه.
- ۳- انواع فشنگ، ۱۰۰ قبضه.
- ۴- بی سیم پی، آریسی ۷۷، ۱۰ ستگا.
- ۵- انواع خشاب، ۱۵۰ دانسه.
- ۶- فشنگ قناسه، ۱۰۰۰ عدد، و مقداری اسناد و وسایل دیگر نظامی.

بیتهدارنامه

ترکمن قرار گرفت . در نتیجه خواسته‌های ملی و اجتماعی خلق ترکمن تابع زیر و بمهای فعالیت حزب توده شد ، تا جائیکه جنبش انقلابی خلق ترکمن از دهه ۳۰ تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ فاقد سازماندهی ماند و بمحال خود رها گردید .

در سال ۱۳۵۷ همزمان با اعتلای جنبش سراسری ضد سلطنتی مردم ایران ، خلق ترکمن نیز همد و شریبا بر خلقهای ایران برای سرنگونی رژیم استبدادی و ضد مردمی شاهنشاهی و ایجاد ایرانی مستقل و آزاد با نظامی دمکراتیک که در آن خواسته‌های ملی و اجتماعی او به تحقق پیوند دو مقامی شایسته در جمع خلقهای ایران به عنوان خلقی با حقوق برابر ، برابری و تضمین گردد ، به تکاپو افتاد .

تشکیل اولین گروه انقلابی به نام " جوانان مبارز ترکمن " و بعد ها " کمیته " همبستگی خلق ترکمن " در گنبد و " شورای انقلابی خلق ترکمن " در بندر ترکمن ، در واقع نشانگر رها شدن حشم فرو خورده ، این خلق در طول سالیان دراز استبداد بود . کم کم ضرورت ایجاد تشکیلاتی واحد برای امر مهم بسیج و رهبری مبارزات ملی و اجتماعی این خلق بجان آمده که اینک در تپ انقلاب میسوخست ، احساس شد . یکی شدن کانونهای مبارزه قبلی و تشکیل کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ پاسخ منطقی به این نیاز

نشاند که گذراند بیشتر از آنجایی حاصلخیز سرزمین خلق ترکمن را غصب نمود و جزو املاک اختیاری خود قرارداد ، و با این تجاوز گستاخانه دست استعمارگران ریز و درشت دیگر را در تجاوز به حقوق زحمتکشان ترکمنستان ، و غارت آنها بازگذاشت .

علاوه بر اینها ، رژیم از طریق وادار ساختن ترکمنها به ترک دیار خود و وارد کردن کارگران کشاورزی غیر بومی به ترکمنستان و اسکان آنها در منطقه ، سعی در از بین بردن وحدت خلق ترکمن و برهم زدن ترکیب جمعیتی منطقه را داشته است .

شرایط سختی که استبداد رضا خانی برای خلقهای ایران فراهم آورد ، و در تشدید ستم ملی و محرومیت از حقوق اجتماعی و سیاسی برای خلقهای غیر فارس جلوه گر شد ، کم کم باعث ایجاد نطفه‌های مقاومت در بیابان ملت‌های ساکن ایران گردید . در سال ۱۳۱۶ عده‌ای از روشنفکران ترکمن که در تشکیلات روشنفکری و نیمه مخفی سازمان یافته بودند توسط ماموران امنیتی دستگیر و زندانی شدند . این عده پس از دگرگونی و یاران وی آشنا شدند و تحت تاثیر این آشنایی پس از رهایی از زندان در سال ۱۳۲۰ ، تشکیلات حزب توده را در ترکمنستان محرا پایه‌ریزی کردند . بدین ترتیب حزب توده که عناصر انقلابی و مورد اعتماد خلق ترکمن در ترکمنستان را در خود گرد آورد ، بود . در این جنبش ملی دمکراتیک خلق

ویژه اتحاد جماهیر شوروی اعزام داشت .

دفاع شجاعانه ترکمنها در برابر ارتش اعزامی رضاخان با حماسه‌ها و فداکاریهای بی‌شماری همراه بود . پس از دو سال جنگ و جنایت‌های بی‌شمار از سوی ارتش رضاخان که صدها داستان اشک و خون از آن به جای مانده ، بالاخره ارتش متجاوز رضاخان نتوانست این مرحله از مبارزات خلق قهرمان ترکمن را به شکست بکشد .

از علل شکست این جنبش میتوان مهمترین آنها بشرح زیر اشاره کرد :
" تعرض بلاوقفه قوای متجاوز کمبود شدید اسلحه و مهمات جنگجویان ترکمن و عدم امکان جبران آنها ، محاصره اقتصاد ترکمن صحرا ، خیانت بعضی از خانها و روحانیون و بالاخره عدم وجود حمایت موثر از این جمهوری از طرف نیروهای مترقی و انقلابی داخلی و خارجی " .

به دنبال سرکوب خونین جنبش رضاخان به اقداماتی دست زد که هدف آن زدودن آثار و جلوه‌های آگاهی و هویت مستقل ملی ، و پایمال نمودن ابتدائیترین حقوق ملی خلق ترکمن بود .

رضاخان درصدد بود تا ترکمنها را از سرزمین آباء و اجدادی حویث بنامی بکوجاند . اما پیش آمدن جنگ دوم جهانی و ورود قوای متفقین به ایران فرصت انجام کامل این نقشه را از وی گرفت .

رضا شاه طبق قانونی که سال ۱۳۱۱ از تصویب مجلس دست

گالری از عملیات پیشمرگان

۱۷/۵/۱

پیشمرگان نیروی " دالاهو " در بلندبیهای " مهواجـــــهر " پشت آبادی " کونه سوچر " در منطقه ثلاث باوجانی با نیروهای رژیم روبرو شدند . دشمن بیش از ۱/۵ ساعت تاب مقاومت نیاورد و در هم شکست . شمار زیادی از افراد رژیم کشته و زخمی گردیدند . ۶ جسد از آنان بجا ماند و ۷ نفر نیز به اسارت گرفته شدند .

غنايم زیر هم بدست پیشمرگان افتاد :

- ۱- تفنگ کلاشنیکوف ، ۱۲ قبضه .
- ۲- بی سیم پی آر سی ۱،۷۷ د ستگاه .
- ۳- خشاب ، ۷۰ عدد ۴- فشنگ ۱۵۰۰ عدد . با مفادیری اسناد و مدارك نظامی .

۱۷/۵/۸

پیشمرگان نیروی کیله شین در کوهستانهای " بوزی سینا " در منطقه " مرگور " در شمال کردستان با دشمن ضد حلقی روبرو شدند . طی نبردی که در گرفت نیروهای رژیم بسختی در هم شکسته شدند ، و پیش از ۲۵ نفر کشته و زخمی دادند ، که حین فرار ۱۲ جسد از آنان بجا ماند . سلاحهای زیر به غنیمت پیشمرگان درآمد :

- ۱- آرپی جی ، ۷ ، ۲ قبضه .
- ۲- تفنگ کلاشنیکوف ، ۹ قبضه .
- ۳- بی سیم پی آر سی ، ۱

ترکمنستان ایران و درسی مهم

سیاسی واجتماعی جامعه ترکمن بود . تشکیل این قانون از طرف توده های محروم ترکمن ، با استقبال گرمی روبرو شد . قانون به سرعت نیروهای انقلابی و مترقی را به دور خود جذب کرد و آنها را حول برنامه و هدفهای خود سازمان داد . پیوند مستحکم روستائیان با این قانون زمینه مساعدی را برای بازپرگرفتگی زمینهای زراعی غصب شده از سوی غارتگران رژیم پیشین که اینک فراری شده بودند فراهم ساخت . در پاسخ به این ضرورت و برای ایجاد هماهنگی در اقدامات انقلابی و فعالیت شوراهای روستائی که روستائیان در تمام منطقه ترکمن صحرا در آنها

- ۲۳ عدد ۵ - نارنجك دستى
- ۱۹ عدد ۱ - موشك
- آرپی جی ، ۳۰ موشك .

۱۷/۵/۱۶

پیشمرگان نیروی " آی ریهندان " و نیروی " بهیان " در کوههای " و نه وشه " نزد يك آبادی آبیچی در منطقه " گورك " سفز در چهار جبهه با نیروهای رژیم درگیر شدند . باید دانست که میدان این درگیری فقط ۲ کیلومتر با شهر سفز فاصله دارد - جنگ از ساعت ۹/۱۵ دقیقه صبح تا ساعت ۸ بعد از ظهر طول کشید . پیش از ۱۲۰ تن از افراد رژیم

سازمان یافته بودند در اسفند ماه ۱۳۵۷ " ستاد مرکزی شوراهای روستایی ترکمن صحرا " ایجاد گردید . این ستاد از پشتیبانی زحمتکنان ترکمن صحرا برخوردار بود ولذا همچون " ارگان مرکزی حاکمیت خود مختار خلق ترکمن " عمل میکرد .

پس از تشکیل ستاد مرکزی شوراهای روستایی ترکمن صحرا زمینهای غصب شده توسط غارتگران روستائی و عمال آنها بصاد رفا انقلابی شد و تحت مالکیت جمعیتی درآمد که به توسط خود روستائیان کشت و برداشت می شد . علاوه بر آن شوراهای شهری نیز با شرکت فعال توده های مقیم شهرها بوجود آمدند ، و در بین اقشار و طبقات



کشته ها در میدان جنگ شمارش شدند .

غنايم پیشمرگان عبارتند از :

- ۱- تیربار بی کمی ، ۱ قبضه .
- ۲- تیربار کلاشنیکوف ، ۱ قبضه .
- ۳- انواع تفنگ ، ۱۸ قبضه .
- ۴- بی سیم پی آر سی ۲،۷۷ د ستگاه .
- ۵- انواع فشنگ ، ۴۰۰۰ عدد .
- ۶- انواع خشاب ، ۱۲۰ عدد . مفادیری اسناد و مدارك نظامی .

متأسفانه ۵ پیشمرگ فدای کار حزب د را این نبرد جان باختند :

- ۱- سعید رحمانی از نیروی بیان
- ۲- قادر احمدزاده " " " " "
- ۳- ناصر تولگی از نیروی آی ریهندان
- ۴- حسن عبدی (حسن سهلی)
- ۵- مظفر زارعی " " " " "

جامعه ترکمن تشکیلات د مکراتییک ویژه نظیر: تشکیلات د مکراتییک معلمان، دانش آموزان، زنان، مهندسان و تکنسینها، کارگران و سیادان رشد و گسترش یافت. بعلاوه کانونهای فرهنگی و هنری و شبکه کتابخانههای محلی و روستایی روبه توسعه نهاد که همه آنها به د ورستاد مرکزی شوراهای روستایی و کانون فرهنگي - سیاسی خلق ترکمن حلقه زده بودند. در عین حال روابط برادرانه، متقابل با جنبش خلق کرد و سایر خلقهای ایران گسترش می یافت.

اما واضح است که همه اینها برای جمهوری اسلامی نمی توانست قابل تحمل باشد. بهمین جهت در پی فرصت مناسبی بود تا به این وضعیت پایان بخشد.

نکته ای که در این میان بخصوص قابل ذکر است، حضور سازمان چریکهای فدایی خلق در ترکمنستان بود. سازمان چریکهای فدایی خلق که در بین انقلابیون این خطه دارای هوادارانی بود، بعد از انقلاب، بخصوص در نتیجه سرحدودگی کامل خلق ترکمن از حزب توده، نفوذ بسیار قابل توجهی یافت، بطوریکه "علاسر نوشت" جنبش ملی د مکراتییک خلق ترکمن با سرنوشت این سازمان گره خورد. به هرحال رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در تدارک حمله ارتجاعی خود به نهاد های انقلابی جنبش خلق ترکمن د و بار دست به اقدام زد. بار اول در ۶

فروردین ماه سال ۱۳۵۸ و صورت یورش به تجمع مسالمت آمیز خلق ترکمن در گبند. اما این یورش مقاومت یکپارچه، خلق ترکمن را در پی داشت و رژیم ناچار از عقب نشینی شد.

حمله دوم رژیم در نیمه دوم همان سال به راه پیمایی روز ۱۹ بهمن در شهر گبند به مناسبت سالگرد قیام مسلحانه سیاهکگل بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق انجام یافت که فراخوان این راه پیمایی هم بنام ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن صورت گرفته بود.

اکنون معلوم شده است که با وجود وضع سیاسی بسیار حساس منطقه و اطلاع از قصد اعلام شده رژیم د اثر بر سرکوب راه پیمایی، و علیرغم مراجعات مکرر مردم و ابراز نگرانیهای بحق آنسان و پیشنهادات اصولی و مسئولانه فعالین پیشرو ترکمن در ستاد مرکزی شوراهای روستایی ترکمن صحرا و کانون فرهنگی سیاسی فشار مسئولان سازمان چریکهای فدایی خلق در اجرای تصمیم ماجراجویانه، خویش تا چنانچه اندازه اشتباه آمیز بوده است. بدینسان جنبش خلق ترکمن د دستاورد های آن در این مرحله بد ورن آنکه آمادگی کامل برای مقابله پیدا کرده باشد و در شرایط نامساعدی، حمله شدید و وحشیانه رژیم قرار گرفت. سرکوبگران با شفاوتی بر نظیر که از کم ارتجاعی

حکایت داشت محله های مسکونی ترکمن نشین را با استفاده از توپ، تانک و هلی کوپتر مورد حمله قرار دادند. مراکز نهاد های انقلابی جنبش را این خلق قهرمان به توپ بستند. روستاهایی نظیر بدلجه را آتش زدند، و حتی بدنه زنان و کودکان ترکمن نیز رحم نکردند.

جنبش ملی د مکراتییک خلق ترکمن بدین ترتیب یکبار دیگر دچار شکست و ناکامی گردید، که هنوز هم سخت دست بگیریمان عواقب شوم این شکست است. شکست عمدتاً این شکست را بد ورن ترکمن از سازمانهای سراسری و چشم پوشیدن از داشتن یک سازمان مستقل جستجو کرد، حقیقتی که مبارزین ترکمن نیز اکنون حدود بدان معترف اند. اما شکستی نیست که در روان مبارزان راه پیمایی این خلق علیرغم داشتن زخمهای کاری برتن خود همچنان به سوی هدف والای خود پیش خواهد رفت؛ فرزندان انقلابی و راستین خلق تحت هیچ شرایطی خلق خود را تنها رها نخواهند کرد، و میتوانند یقین داشته باشیم که این ره هر چند که سخت و پیر زحمت باشد اما بالاخره سپرده خواهد شد، و موفقیت نهایی در هر حال از آن کسانی است که حقیقت را می جویند.

آنچه از نظر خوانندگان عزیز "کوردستان" گذشت، امید بود از مطالب مند رج در بیانیه

ترکمنستان ایران و درسی مهم

کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن به مناسبت گرامیداشت ۱۳ سوومین سالگرد اعلام جمهوری ترکمنستان ایران، که حاوی دانستیهای بسیار ارزشی از تاریخ جنبش خلق ترکمن و درسهای تاریخی و ذیقیمت آن بود.

ما به عنوان اعضای يك خلق تحت ستم و به عنوان انقلابیون راه آزادی و خودمختاری کردستان ایران، به هنگام مطالعه و تامل، دایر بیانییه به پیچیده اساس نگردیم که مطالب ناشناختهای را میخوانیم، بلکه احساس کردیم که این سرنوشت خود ماست که مورد بحث قرار گرفته و حرفها و خواستههای ملی ماست که به بیان آمده است. خلق ترکمن در سرزمین خود که قسمتی از خاک ایران را تشکیل میدهد به سر میبرد. بخشد یگر این سرزمین جمهوری ترکمنستان را در آن سوی مرز در اتحاد جماهیر شوروی تشکیل داده است. مردم آن پیرو مذاهب متنوع هستند، اما اشتراک و خلق ترکمن و کرد تنها در این خصوصیات عمده خلاصه نمیشود، ویژگیهای دیگری هم، سرنوشت این دو خلق و دیگر خلقهای مورد ستم ایران را بهم پیوند میدهد. خلق ترکمن دارای سرزمین، زبان، فرهنگ و آداب و رسوم و تاریخ مخصوص به خود است، که خود ندارد آنها

ویژه ملی خود را داشته باشد. و یاد قیقتر بگوئیم در ایران زیر سلطه حاکمان سوسیالیست خلق ترکمن از این ویژگیهای خود جدا نگه داشته شده و زیر بار سنگین ستم ملی کمر خم کرده است. حق ندارد به زبان مادری خویش بخواند و بنویسد. وی را از سرزمینش به دور ستم میبرانند و دیگران را در جای وی اسکان میدهند. اگر میشود با سرزمینش هم ایران را میگرداند ولی چون عملی نیست آنرا به نواحی همجوار منضم می نمایند تا وحدت سرزمینی او را هم برهم بزنند. همان کاری که با سرزمین کردستان کردتاند. بدینسان طبیعی است وقتی از ویژگیها و خلق ترکمن و ستمی که بر آنان رفته و میروود صحبت می کنیم در واقع خود را در آیین می بینیم.

ببینید چطور تاریخ مبارزات خلق ترکمن را همچون خلق کرد و دیگر خلقهای تحت ستم در ایران به فراموشی سپردتاند! و صفحات زرین مبارزان درخشان آنان را پاک و بی رنگ کردتاند. براساسی وقتیکه بیانییه کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن از ۱۳ سوومین سالگرد اعلام جمهوری ترکمنستان صحبت می کند دامیک و یا چند نفر از ما پیشتر درباره آن صحبت کرده ایم؟ ۱۳ سال پیشتر در آنحالی که حکومت رضا خان خلق ترکمن توانسته است جمهوری ملی خویش را برپا دارد، اما مجریان ستم ملی

حقیقت تاریخی را چنان محفی نگه داشتتاند که نه تنها ستمهای جدید ملت حاکم بلکه خلقهای تحت ستم ایران و همینطور شاید عده کثیری از خلق ستم پذیر ترکمن هم از این رویداد بی خبر مانده است. چه چیزی بهتر از این حد قنار ستم ملی را در ایران کثیرالمله نسبت به خلقهای غیر فارسی نشان میدهد؟

بدیهی است آگاهی دادن به مردم از مبارزات خلقهای ساکن ایران، نه وظیفه دیکتاتوری شاهنشاهی و یا رژیم استبدادی ولایت فقهی، بلکه وظیفه سازمانهای سیاسی انقلابی و مترقی ایرانی است. بنابراین خاموشی این سازمانها در این باره، بویژه در مورد مشخص خلق ترکمن چگونه باید تعبیر کرد؟

نکته در خود توجه دیگری که برای ما و برای سایر خلقهای درگیر با مبارزه ملی، می تواند آموزنده باشد، سؤالی است که پس از مطالعه این جزوه ممکن است برای هرکس پیش آید. و آن سؤال اینست که چطور مبارزات خلق انقلابی و حق طلب ترکمن با وجود داشتن چنین پیشینه درخشان مبارزاتی، تا این حد در گمانی باقی نمانده و شعله های انقلاب در آن سرزمین در مقایسه با کردستان تا این درجه فروتر کرده است؟ پاسخ بدین سؤال را علاوه بر شرایط ویژه کردستان بایدستی در مسائلی جستجو کرد که بیانییه کانون

ترکمنستان ایران و درسی مهم

فرهنگی - سیاسی خود پندان
پرداخته و پس از تدقیق و بررسی
علل ضعف و ناتوانی که در پیش بردن
پروژه جنبش ملی دمکراتیک خلق
ترکمن از سالهای ۱۳۳۰ تا
بحال بدان دچار بوده، بس
آن انصاف گذاشته است. این نکته
هم عبارت است از "نبود
سازمان مستقل انقلابیون ترکمن،
و مآلاً تمیز و دنباله روی آنها از
سازمانهای سراسری".

مبارزین ترکمن بجای حفظ
سازمان مستقل و ملی خویش برای
بسیج و سازماندهی توده های
حلقه خود از استقلال سازمانی
خویش چشم پوشیده و خود
و نیروهای خود را نیز به زانندان
برای این و یا آن سازمان
سیاسی تبدیل ساخته اند.
اگر پیشروان خلق ترکمن، استقلال
سازمانی خویش را بگونه های که
هرچند از خواسته های روی خلق
ترکمن باشد حفظ می کردند
و سپس با دیگر سازمانهای سیاسی
سراسری چپ و مترقی عقد دوستی
و اتحاد می بستند بدون شک
حرکت ملی و دمکراتیک خلق
ترکمن امروز جلوه دیگری داشت،
و شاید، جنبش سراسری ایران هم
سرنوشت دیگری غیر از آنچه اکنون
دارد، می داشت. اینست آن
دین مهمی که فرزندان انقلابی
حلقه های زیرمستم ایران نباید از
نظر دور بدارند! ■

از زخم قلب "آبائی"

دختران دشت!

دختران انتظار!

دختران امید تنگ

در دشت بیکران!

و آرزوهای بیکران

در خلقهای تنگ!

دختران خیال آلاچیق نو

- در آلاچیق های که صد سال -

در زره جامه تان اگر بشکوفید

باد دیوانه

یال بلند اسب تنان را

آشفته کرد خواهد...

دختران رود گل آلود!

دختران هزار ستون شعله، به طاق بلند رود!

دختران عشق های دور!

روز سکوت و کار!

شب های خستگی!

دختران

روز بی خستگی رویدن!

شب سرشکستگی!

در باغ راز و خلوت مرد کدام عشق

در رض راهبانه، شکرانه، کدام

آتش زدای کدام

بازوان فواره بی تان را

خواهید بفراشت؟

از "شاملو"

[]

افسوس!
 موها و نگاهها
 به عبست
 عطر لغات شاعر را تارک می کنند
 دختران رفت و آمد
 در دشت مه زده!
 دختران شرم و
 شبنم و
 افتادگی و
 رومه!

از زخم طب "آبام" "
 در سینه کدام شما خون چکیده است؟
 پستانتان: کدام شما
 گل داده در بهار بلوغش؟
 لبهایتان و کدام شما
 لبهایتان کدام - بگوئید -

در گام اوشگفته نهان عطربوسه می؟

شب های تار نهم باران

- که نیست کار -

اکنون کدامیک ز شما
 بیدار می مانید
 در بستر خشونت نومیدی
 در بستر فشرده دلتنگی
 در بستر تفکر پر درد رازتسان
 تا یاد آنکه خشم و جسارت بسود
 بدرخشاند
 تا دیرگاه شعله آتش را
 در چشم بازتسان؟

 بین شما کدام - بگوئید -
 بین شما کدام
 صیقل می دهید
 سلاح آبائی را
 برای

روز
انتقام!

 * قهرمان ترکمنی *



چند خبر مهم ایران

پرداخت غرامت!

۱۳۶۷/۴/۲۰

ایالات متحده آمریکا اعلام داشته است که به بستگان ۲۹۰ سرنشین هواپیمای مسافر ایرانی خسارت خواهد پرداخت. یادآوری میشود هواپیمای مسافربری ایران از نوع "ایرباس ۳۰۰" صبح روز ۲۷/۴/۱۲ که از بند عباس عازم دبی بوده در حوالی جزیره "هنگام" از طرف یک ناو آمریکایی هدف شلیک موشک قرار گرفت و در آبهای خلیج فارس سقوط کرد. در این حادثه ۲۹۰ سرنشین هواپیما اعم از ایرانی و خارجی جان خویش را از دست دادند ●

وضع بهداشت در جمهوری اسلامی!

۲۷/۴/۲۰

مدیر عامل وزارت بهداشت ایران در مصاحبه‌ای با روزنامه "کیهان" اعلام کرد: هر ساله یک - صد و بیست هزار نوزاد و کودک زیر ۵ ساله ایرانی در اثر ۳ عامل: بیماریهای عفونی، اسهال و سوء تغذیه میمیرند. میزان مرگ و میرها بویژه نزد کودکان کمتر از یکسال بالاتر است و هر ساله حدود هشتاد هزار تن از آنان در اثر ابتلا به اسهال و سوء تغذیه جان میدهند ●

پذیرش آتش بس!

۲۷/۴/۲۷

جمهوری اسلامی ایران طی پیامی خطاب به آقای پرزدوکولیار دبیر کل سازمان ملل متحد، اعلام داشت که بطور رسمی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، آن سازمان را برای قطع جنگ ۸ ساله ایران و عراق می‌پذیرد ●
قتل عام پناهندگان افغانی!

۱۳۶۷/۵/۱۰

خبرگزاریها بنقل از منابع افغانی گزارش کردند که پاسداران حکومت جمهوری اسلامی در حمله به یک اردوگاه پناهندگان افغانی ۳۰ تن از آنان را قتل عام کردند که تعدادی از آنان زن و کودک بوده‌اند. دلیل حمله پاسداران خمینی به اردوگاه آوارگستان امتناع آنان از ورود یک گروه پزشکی بمنظور معاینه زنان افغانی ذکر گردیده است. این کشتار بیرحمانه پاسداران ایرانی از طرف دولت افغانستان و گروههای معارض افغانی مورد

اعتراض قرار گرفته و بشدت محکوم گشته است ●

بیعت با خمینی!

۱۳۶۷/۵/۱۱

بمناسبت روز عید غدیه بدعت قبلی آیت‌الله منتظری راهپیمائیهایی نمایشی در تهران و برخی از شهرهای ایران بش منظور بیعت مجدد با خمینی برگردید ●

اعلام تاریخ آتش بس!

۱۳۶۷/۵/۱۷

دوکولیار، دبیر کل سازمان ملل متحد در اجلاس کوتاه شورای امنیت تاریخ توافق آتش بس و شروع مذاکرات را اعلام کرد. وی گفت روز ۲۰ اوت برابر با "۲۹ مرداد ماه" آتش بس در جنگ ایران و عراق بمورد اجرا گذاشته خواهد شد و هر روز بعد از آن مذاکرات رودرروی د و کشور در "ژنو" بمنظور دستیابی به صلحی پایدار انجام خواهد شد ●

کمک های مالی خود را به حساب بانک

زیر واریز:
C.C.P. PARIS 68040.M.020
FRANCE

و پیش بانک آن راه این آدرس بستاند:
A.F.K. B.P. 102. 75623 PARIS

CEDEX 13 FRANCE

در مرزهای ایران و عراق صلح و آرامش برقرار گردد و این هدفی است که ما نیز دنبال میکنیم. لیکن این امر حتی اگر دو دولت ایران و عراق هم بر سر آن توافق کنند، تا وقتی که جنگ در کردستان ایران پایان نیابد، امکان پذیر نخواهد بود. هم اکنون کیلومترها از مرز مشترک ایران و عراق در خاک ایران تحت کنترل پیشمرگان حزب دمکرات قرار دارد. چند هزار نفر پیشمرگ همیشه قادر خواهند بود صلح این منطقه را مسدود تهدید قرار دهند.

شما که بعنوان دبیر کل سازمان ملل متحد وظیفه دفاع از حقوق بشر و تعیین سرنوشت خلقها را بعهده دارید، حتما توجه دارید که جنگ بین ایران و عراق نباید به حساب خلق کرد خاتمه یابد. ما بنویسه خود اعلام میکنیم که مردم کردستان تصمیم دارند با همه امکانات خود از خواستهای روا و از موجودیت خود دفاع نمایند. بمنظور تامین صلح پایدار و استقرار امنیت در منطقه باید به شرایط تامین صلح در کردستان توجه شود و بهمین جهت در امر تطبیق قطعنامه ۵۹۸ باید این موضوع نیز در دستور مذاکرات قرار گیرد.

آقای دبیر کل

مسئله کرد در ایران یک مسئله داخلی نیست. در اینجا ابتدائیترین حقوق انسانی و ملی خلقی پایمال میشود و شما وظیفه دارید بمنظور دفاع از حقوق بشر و حق موجودیت یکی از اصیلترین و قدیمیترین خلقهای این منطقه اقدامات لازم را بعمل آورید.

ما در انتظار اقدامات شما هستیم و آمادگی خود را برای همکاری کامل در این زمینه اعلام میداریم. در ضمن یکبار دیگر با صراحت کامل میگوئیم که اگر پیشنهاد ما مسدود توجه قرار نگیرد کوششهای صلح خواهانه شما با موفقیت کامل مواجه نخواهد شد و البته مسؤولیت این عدم موفقیت بعهده سازمان ملل متحد خواهد بود.

با تقدیم احترامات فائقه

عبدالرحمن قاسملو

دبیر کل

حزب دمکرات کردستان ایران



نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد

۱۹۸۸ / ۸ / ۳

نویورک - ایالات متحده

آقای برز دوکویلاز دبیر کل محترم سازمان ملل متحد !

آقای دبیر کل !

نه سال پیش دولت جمهوری اسلامی ایران جنگ ناخواسته‌ای را به خلق کرد در ایران
تحمیل نمود که هنوز هم ادامه دارد. این جنگ که در ماه مارس ۱۹۷۹ بصورت درگیریهای
محلی آغاز شده بود در ماه اوت همانسال همه کردستان ایران را که بیش از هفت میلیون
نفر جمعیت دارد، شامل گردید. طی ۹ سال بیش از چهل هزار نفر از مردم بی دفاع کردستان
قربانی این جنگ شده و صدها هزار نفر آواره گردیده‌اند. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی
با کاربند کردن مدرن ترین سلاحها روستاهای بسیاری را ویران نموده و در شهرها
به مساکن شهروندان و مؤسسات اقتصادی ضربات فراوان وارد آورده‌اند. دولت مرکزی به
منظور سرکوب مردم کردستان دو بیست هزار نفر از افراد مسلح خود را به کردستان فرستاده
و سه هزار پایگاه نظامی در روستاها و کوهستانهای کردستان ایجاد نموده است. هم‌اکنون
کردستان ایران کاملاً میلیتاریزه شده و به یک سربازخانه عظیم تبدیل گردیده است.
خواست مردم کردستان بسیار ساده است. آنها خواهان خودمختاری در چهارچوب کشور
ایران هستند و این حق است که منشور سازمان ملل آنرا به رسمیت می‌شناسد.

همگامیکه روز ۱۸ ژوئیه دولت جمهوری اسلامی قطعنامه شماره ۵۹۸ را پذیرفت حزب
دمکرات کردستان ایران که رهبری جنبش کردستان را بعهده دارد از این اقدام استقبال
کرد. چراکه حزب ما این جنگ را از همان آغاز جنگی بی‌معنا و سبیه و بزیان خلقهای
ایران و عراق تلقی کرده، و طرفدار پایان و استقرار صلح بین دو کشور همسایه بوده
است.

لیکن با پایان جنگ بین ایران و عراق جنگ در کشور ما پایان نخواهد یافت. مقاومت
مسلحانه مردم کردستان بمنظور تامین دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان
همچنان ادامه دارد. ما در عین حال که بعنوان یک حزب سیاسی مسؤول پشتیبانی خود را از
پایان مخاصمات بین ایران و عراق اعلام میداریم ملاحظه می‌کنیم که جنگ در مابین ما
پایان نیافته و صلح تنها هنگامی همه ایران و مرزهای ایران و عراق را فرا خواهد
گرفت که خواستهای عادلانه مردم کردستان تحقق یابد.

آقای دبیر کل !

حزب ما که ۴۳ سال سابقه فعالیت سیاسی دارد همیشه مخالف تروریسم، کروگان گیری،
رسویدن هواپیما و بطور کلی هر عملی بوده که زندگی افراد غیر نظامی و بی دفاع را به
خطر برساند. حزب ما همیشه مخالف جنگ و هوادار صلح بوده است. اکنون شما میخواهید